

شیوه صحیح اعتبارسنجی روایات بحارالانوار از دیدگاه آیت الله محمد آصف محسنی در مشرعه بحارالانوار

سید احمد حسینی حنیف^۱

علی توسلی^۲

چکیده

بحث اعتبار روایات کتاب بحارالانوار یکی از موضوعات بحث برانگیز در میان عالمان است؛ شیخ حیدر حب الله کتاب المعتبر من بحارالانوار را در معرفی روایاتی که از جهت سند معتبر هستند، نگاشته و آن را به دیدگاه آیت الله محمد آصف محسنی در کتاب مشرعه بحارالانوار نسبت داده است؛ درحالی که بیان های صریح نویسنده مشرعه بحارالانوار گویای آن است که ایشان روش های دیگری از اعتبارسنجی روایات را، افزون بر اعتبارسنجی، پذیرفته اند؛ ایشان در موارد فراوان در کتاب مشرعه یادآور می شود: هرچند برخی روایات از جهت سندی معتبر نیستند، ولی به کمک راه های اعتبارسنجی فراسندی می توان اعتبار آنها را ثابت کرد؛ این پژوهش می کوشد با استقراء در کتاب مشرعه اعتبار فراسندی روایات فراوانی - که به گمان نویسنده «المعتبر من بحارالانوار» از نظر آیت الله محسنی نامعتبرند - را همراه با نقل دیدگاه های آیت الله محسنی و بیان نمونه هایی از اعتبارسنجی فراسندی به اثبات برساند.

کلیدواژه ها: المعتبر من بحارالانوار، مشرعه بحارالانوار، حیدر حب الله، محمد آصف محسنی، اعتبارسنجی سندی، اعتبارسنجی فراسندی، ملاک های اعتبارسنجی.

۱. عضو هیئت امنا و مدرس حوزه علمیه خاتم النبیین صلی الله علیه و آله، کابل.

۲. مدرس حوزه علمیه خاتم النبیین صلی الله علیه و آله، کابل.

آیت الله محمد آصف محسنی (متولد سال ۱۳۱۴ ش، شهر قندهار افغانستان) بخشی از عمر علمی خود را صرف تحقیق در دانش رجال و حدیث نموده و موفق به تدوین کتاب ارزشمند «معجم الاحادیث المعتمدة» در جمع آوری و تبویب روایات معتبرالسند شده است؛ ایشان در گستره دانش رجال و تحقیقات مرتبط با آن، کتاب «بحوث فی علم الرجال» را نگاشته و در آن قواعد رجالی مورد نظر خود را مطرح کرده اند؛ ایشان همچنین در بخشی از اقدامات علمی خود به بررسی اعتبار سند روایات «بحار الانوار» و «جامع احادیث الشیعة» پرداخته که دستاوردهای آن در کتاب های «مشرعة بحار الانوار» و «الاحادیث المعتمدة فی جامع احادیث الشیعة» دیده می شود؛ این دو کتاب شامل بررسی های فنی پیرامون اعتبار اسناد روایات «بحار الانوار» و «جامع احادیث الشیعة» است؛ ولی در میانه بحث های سندی، اعتبارسنجی فراسندی روایات را نیز در مواردی بررسی کرده اند؛ از مطالعه دقیق آن ها روشن می شود، هدف از نگارش این آثار به خصوص کتاب «مشرعة بحار الانوار» ارائه راهنمایی جهت استفاده مناسب تر از «بحار الانوار» بوده و حذف روایات فراوان از یک جامع روایی بزرگ شیعه مورد نظر نویسنده نیست.

به تازگی کتابی با نام «المعتبر من بحار الأنوار» توسط دارالمحجة البيضاء در سه جلد منتشر شده است؛ انتشار احادیث معتبر دایرة المعارف بحار الانوار - که با حذف برخی حواشی ۱۱۰ جلد است، - آن هم در سه جلد، بهت و حیرت همگان را برانگیخت، جالب تر اینکه این اثر مطابق با دیدگاه های نویسنده مشرعة بحار الانوار معرفی شده است؛ بنابراین آنچه آقای حیدر حب الله^۲ در مقدمه کتاب

۱. این کتاب زیر نظر آقای حیدر حب الله و با مسئولیت ایشان تنظیم و گردآوری شده است و ایشان در برخی زیر نویس ها اجتهادات خود را نیز مطرح کرده اند؛ گرچه ظاهراً به صورت کلی از این کار پرهیز داشته اند. از مذاکرات با آیت الله محسنی برمی آید شکل ارائه کتاب المعتبر در ترسیم نظرات ایشان پیرامون مجموعه گران قدر بحار الانوار موفق نبوده است.

۲. بنابر اطلاعاتی که در سایت رسمی ایشان درج شده است: در سال ۱۹۷۳ م / ۱۳۵۱ ش، در صور لبنان، متولد شد؛ در سال ۱۹۸۹ م / ۱۳۶۶ ش دروس مقدمات حوزوی را نزد برادرش شیخ علی حب الله و شیخ حسن حریری و سید محمد غروی و شیخ صالح الفقیه و شیخ محمد زراقات و شیخ محمد طحینی و .. فرا گرفت؛ همچنین در درس خارج بیع آیت الله شیخ محمد تقی فقیه

بنابر آنچه در معرفی کتاب بحارالانوار گذشت؛ مرجع دینی آیت‌الله علامه محسنی قندهاری، یکی از شاگردان بارز آیت‌الله خوئی از متخصصان در دانش رجال و حدیث به تحقیق در روایات بحارالانوار از جهت بررسی‌های حدیث، سندی و رجالی پرداخته است و آنچه از روایات در آن معتبر بوده است را معلوم کرده است.

شیوه ایشان در این کتاب دو جلدی... اشاره به شماره احادیث معتبر در هر باب است... بدون اینکه متن احادیث را در آن ذکر کند؛ بنابراین اندیشه استخراج روایات معتبر از کتاب بحارالانوار براساس دیدگاه آیت‌الله محسنی و بنابر اشارات ایشان در کتاب مشرعه و شماره روایات‌هایی که ذکر کرده‌اند، پیدا شد؛ پس در نتیجه این کتاب [المعتبر] کتاب جامعی است از روایات معتبر بحارالانوار براساس اشارات کتاب مشرعه^۱.

نتیجه این روش نویسنده المعتبر، حذف روایات فراوانی از بحارالانوار شده است تا جایی که آقای حیدر حب الله در آماری که از روایت‌های بحارالانوار ارائه کرده‌اند، با شمارش روایت‌های مکرر، ۲۸۷۳ روایت معتبر را در کتاب خود با استناد به دیدگاه آیت‌الله محسنی نقل کرده‌اند؛ درحالی‌که بنابر برخی آمار روایت‌های کتاب بحارالانوار با شمارش روایت‌های مکرر حدود هفتاد هزار روایت^۲ می‌شود و آیت‌الله محسنی روایت‌های معتبر بحارالانوار را بسیار بیشتر از رقمی که نویسنده المعتبر به ایشان نسبت داده‌اند، می‌دانند.

نشر این کتاب موجب برخی پرسش‌ها از آیت‌الله محمدآصف محسنی شد و پس از آن به صورت مکتوب استفساری در دو محور از ایشان صورت گرفت:^۳

و فقه آیت‌الله شیخ مفید فقیه شرکت کرد؛ در ۱۹۹۵ م / ۱۳۷۴ ش حدود پنج سال در ایران، درس خارج فقه و اصول آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی شرکت کرد؛ همچنین در درس خارج آیت‌الله شیخ حسین نجاتی و یک سال در درس خارج فقه جمعه و جماعت آیت‌الله باقر ایروانی و درس مکاسب محرمة و تفسیر آیت‌الله جوادی آملی شرکت جست؛ مباحث فلسفی را نزد سیدکمال حیدری خواند و درس الاسس المنطقية للاستقراء را نزد استادان سید عمار ابورغیف و سید علی‌اکبر حائری آموخت؛ ایشان فعلاً در کشور لبنان مشغول به ادامه فعالیت‌های علمی خود هستند.

۱. المعتبر من بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۲ و ۱۳ به صورت خلاصه.

۲. این آمار از پایگاه جامع الاحادیث نورگرفته شده است؛ «<https://www.noorhadith.ir>».

۳. تصویر اصل پاسخ مکتوب آیت‌الله محسنی در پیوست مقاله است.

۱. آیا کتاب *المعتبر من بحار الانوار* با اطلاع و اجازه ایشان منتشر شده است و با هدف ایشان در تدوین کتاب *مشرعة* مطابق بوده است؟

۲. آیا کتاب *المعتبر من بحار الانوار* تمام آنچه از *بحار الانوار* را معتبر دانسته‌اید، «وفقاً لنظریات آیه الله محسنی» منعکس ساخته است؟

آیت الله محمد آصف محسنی در پاسخ به این دو پرسش هفت نکته بیان کردند (متن زیر خلاصهٔ پاسخ ایشان است):

۱. از طبع سه کتاب آقای حیدر حب الله هیچ اطلاعی نداشته و آن کتاب را ندیده‌اند؛ حتی آقای حیدر حب الله مشورتی نیز از ایشان نگرفته است.

۲. نقل یک متن به سه سند نامعتبر موجب اطمینان به صدور آن متن از امام علیه السلام می‌شود؛ بعید است راویان در هر سه سند، دروغ گفته باشند و ایشان در کتاب *معجم الاحادیث المعتبرة* مکرراً از این روش استفاده کرده‌اند.

۳. اگر در ده سند، متن مختلفی نقل شود، راویان آن هرچند مجهول و یا ضعیف باشند، قدر مشترک آن متن مورد اطمینان و حجت است؛ «الخبر الموثق» بالاتر و مهم‌تر از «خبر الثقة» است؛ زیرا وثوق به صحت محتوا در اولی فعلی و در دومی نوعی است.

۴. هنگام نوشتن *مشرعة بحار الانوار* و *معجم الاحادیث المعتبرة* و همچنین در کتاب *الاحادیث المعتبرة فی جامع احادیث الشیعة* جستجوی کامل نکرده‌ام، و در برخی آنها از خداوند خواسته‌ام دانشمندی پیدا شود و احادیث مورد اطمینان - که تعداد آن بسیار است - را جمع‌آوری کند؛ امیدوارم فردی پیدا شود که این کار را انجام دهد.

۵. علمای شیعه احادیثی را که دانشمندان اهل سنت پیرامون فضایل امیرمومنان و امامان معصوم علیهم السلام نقل کرده‌اند، قبول دارند؛ چون راویان اهل سنت انگیزه‌ای بر کذب و جعل آن‌ها ندارند و این طریق نیز به اعتبار روایات *بحار الانوار* کمک می‌کند.

۶. گاهی متن، دلیل بر صحت سند و اعتبار آن می‌شود؛ مثلاً دعای کمیل سند ندارد؛ ولی متن آن دلیل بر صحت سند آن است؛ اطمینان وجود دارد این دعا از زبان مبارک آن حضرت صادر شده است؛ این‌گونه روایات در بحارالانوار زیاد است؛ از آیت‌الله کاشف الغطاء دربارهٔ سند دعای صباح سؤال شد؛ آن مرحوم یک جمله از این دعا را در جواب نوشتند: «یا من دل علی ذاته بذاته».

۷. انکار متون نقل شده با سندهای نامعتبر، غلط است؛ زیرا انکار، ادعایی است که دلیل می‌خواهد؛ متن حدیث بر فرض نامعتبر بودن سند و نداشتن قرینه داخلی و خارجی حجت نیست؛ نه اینکه تکذیب شود.

مقاله حاضر می‌کوشد با بررسی دیدگاه‌های آیت‌الله محمدآصف محسنی در کتاب *مشرعة بحارالانوار* آنچه ایشان در پاسخ این پرسش‌ها مطرح کرده‌اند را به صورت واضح تبیین نماید؛ سپس با ذکر مصادیق فراوان و مقایسه برخی مصادیق، در پانویس، با آنچه نویسنده‌المعتبر من بحارالانوار ادعا کرده است، روشن کند که نه تنها کتاب‌المعتبر من بحارالانوار با دیدگاه‌های آیت‌الله محسنی همخوانی ندارد، بلکه این اثر در موارد متعدد، مخالف نظر ایشان است.^۱

شواهد اعتبارسنجی فراسندی در کتاب *مشرعة*

بنابر مبنای آیت‌الله محسنی در پاسخ به استفسار و جستجو در کتاب *مشرعة*، روش‌های مختلفی برای سنجش اعتبار اخباری که سند معتبر ندارند، وجود دارد:^۲

۱. اعتبار خبر به استناد تعدد طرق

در مقدمه *مشرعة* چنین آمده است که اگر روایتی با متن واحد، سه سند داشته باشد، قابل اعتماد خواهد بود:

۱. این موضوع در کتاب، در حال تدوین، «روش‌های تشخیص اعتبار احادیث بحارالانوار» بیشتر کاویده خواهد شد.

۲. یقیناً با بازخوانی تفصیلی کتاب *مشرعة* و سایر کتاب‌های آیت‌الله محمدآصف محسنی شواهد بیشتری، که روش ایشان را آشکار کند، می‌توان عرضه نمود که با اختصار این نوشته سازگار نبوده و امید است اگر توفیق باشد، در مکتوب تفصیلی دیگری این مهم به ارباب فضل و دانش عرضه شود.

هنگامی که یک متن سه سند متفاوت داشته باشد، مانند برخی روایت‌های شیخ صدوق در کتاب عیون، بعید نیست که بتوان بر آن روایت اعتماد کرد چون بعید است که تمامی راویان این سند‌های سه گانه بر دروغ‌گفتن مطلب واحدی توافق کرده باشند.^۱

در موضع دیگری، آیت‌الله محسنی تأکید می‌کنند که در ابواب مختلف بحارالانوار، گاه مضمون واحد به سه سند نامعتبر نقل شده که ممکن است به‌رغم ضعف روایات نسبت به صدورش از معصوم علیه السلام اطمینان حاصل شود و احتمال کذب این روایات، بسیار بعید است.^۲

در ادامه برخی نمونه‌هایی که در کتاب مشرعة با این روش، متن خبر، معتبر معرفی شده است، ذکر می‌شود:

۱. خطبه فدک به اعتبار تعدد طرق مسلم دانسته شده است.^۳

۲. در باب فضل حضرت زهرا علیها السلام نسبت به دیگران، تعبیر سیده نساء أهل الجنة و تعبیر سیده نساء من الاولین و الآخرین، به استناد تعدد طرق نقل، قطعی و معتبر دانسته شده است.^۴

۳. در باب تظلم حضرت زهرا علیها السلام در قیامت نیز به استناد سند سه‌گانه آن، موضوع معتبر معرفی شده است.^۵

۴. در باب حقیقت ملائکه، مرحوم مجلسی رحمته الله دعای ۸۵ صحیفه سجادیه، در مورد ملائکه، را شرح کرده و آن را دارای تواتر سندی، علو متن و معنا دانسته است؛ نویسنده مشرعة نیز، بر این موضوع صحه گذاشته است:

۱. مشرعة بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳؛ «إذا كان لمتن واحد ثلاثة أسانيد - كما في جملة من روایات الصدوق رحمته الله في العیون، فلا یبعد الاعتماد علیه لبعده تواطوء رجال كل من الأسانيد الثلاثة علی كذب مطلب بعبارة واحدة».

۲. همان، ج ۲، ص ۳۲۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۹ (این قسمت درالمعتبر حذف شده است).

۴. همان، ج ۲، ص ۱۳۳ و ۱۳۴ (این قسمت درالمعتبر حذف شده است).

۵. همان، ج ۲، ص ۱۳۹ و ۱۴۰ (این باب درالمعتبر نقل شده است).

نویسنده بحار الانوار در حدیث ۸۵ دعای امام سجاد (علیه السلام) را نقل کرده و بعد از شرح آن می‌گوید: این دعای شریف را اینجا نقل کردم و شرح آن طولانی شد ... همچنین این روایت تواتر سندی دارد و از نظر لفظ و معنا عالی است.
می‌گویم: روایت چنانچه مرحوم مجلسی گفته، بسیار مفید است؛ اگر فراوانی سندهای آن موجب اطمینان به صدور آن از امام شود.^۱

۵. در ابواب نبات و بقول و حبوب به مناسبت به نمونه‌ای از روایات نامعتبر که سندهای سه گانه، آن را به اعتبار می‌رساند اشاره می‌کنند.^۲

۶. در باب فرق میان ایمان و اسلام، نویسنده مشرعه به بیان برخی نکات از قول علامه مجلسی (رحمه الله) ذیل روایات باب می‌پردازد؛ از جمله، روایتی را به دلیل سه سند نامعتبر، در عین اشکالی که در متن به نظرایشان می‌رسد، می‌پذیرند.^۳

۷. در باب جزء بودن عمل در ایمان، روایتی را به استناد سه سند نامعتبر، تلقی به قبول کرده‌اند.^۴

۸. در ابواب مساوی اخلاق و همچنین در ابواب آداب معاشرت نیز این‌گونه مضامین با تعدد سند به چشم می‌خورد؛ از جمله در باب سوء خلق و بخل و تراحم و تعاطف و باب فضل احسان این موضوع مورد اشاره قرار گرفته است:

أولى الروایات معتبرة سنداً وثامنتها ذات ثلاث اسانید فیمكن اعتبارها

والمعتبرة من رواياته ما ذكرت برقم ۲۵ و ۲۷ وللمذكورة برقم ۱۹ ثلاث اسانید.^۵

۹. در باب مشورت، به فراوانی روایات و وجود روایات دارای سه سند اشاره شده

است.^۶

۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۴ و ۲۸۵ (این قسمت درالمعتبر حذف شده است).

۲. همان، ج ۲، ص ۳۲۴ (در این دو مورد، المعتبر روایت مورد نظر مولف مشرعه را نقل کرده است، ج ۲، ص ۳۱۴ و ۳۱۵).

۳. همان، ج ۲، ص ۳۴۲ «ویشکل رد الخبر بعد وجود ثلاثة اسانید له و ان كان كل واحد منها غير معتبر» (این روایت درالمعتبر ذکر نشده است، المعتبر، ج ۲، ص ۳۶۳).

۴. همان، ج ۲، ص ۳۴۳.

۵. همان، ج ۲، ص ۳۶۵ و ۳۷۳ و ۳۷۴ (در باب ۲۹ در مشرعه، صدور دو روایت اول، معتبر السند دانسته شده است؛ ولی این باب درالمعتبر حذف شده است، المعتبر، ج ۲، ص ۴۹۹؛ همچنین در باب ۳۰ تأکید شده که خبری با سند سه گانه وجود دارد که درالمعتبر ذکر نشده است).

۶. همان، ج ۲، ص ۳۷۶ (در این باب نویسنده مشرعه تصریح می‌کند: به طور مسلم، برخی روایات

۲. اعتبارسنجی با اخذ قدر مشترک روایات متعدد

یکی از قرینه‌های مهم جابر ضعف سند، نقل مضمون واحد در روایات متعدد و بدون اتحاد در الفاظ است؛ این امر مکرر در مشرعه مورد توجه و تأکید نویسنده قرار گرفته است؛ در مقدمه مشرعه چنین آمده است:

اما اگر متن روایت‌ها مختلف شد پس اعتماد بر محتوای روایات غیر معتبر متوقف بر فراوانی سند روایات است تا اطمینان به درستی مدلول مشترک و متفق روایات حاصل شود؛ این حصول اطمینان با اختلاف ذهنیت افراد مختلف تفاوت می‌کند؛ همچنین کیفیت سندها و وضعیت راویان و تعدد مصدرها از جهت کمی و زیادی و اعتبار این مصدرها در حصول اطمینان تاثیر دارد.^۱

این نکته که مورد اتفاق بودن متن در چند روایت نامعتبر موجب اطمینان به صدور آن از امام است، در جای دیگر نیز به عنوان یک اصل مورد تأکید قرار گرفته است؛^۲ همچنین در باب قرائت و آداب آن، نویسنده مشرعه در مورد اشتراک روایات بر یک مطلب می‌گوید: با پنج روایت و حتی با چهار روایت می‌توان به اثبات حکم پرداخت؛^۳ حتی اگر راویان آن مجهول باشند؛^۴ البته در باب وقوف به عرفات، از کفایت حدود ده روایت^۵ برای اعتماد به قدر متفق سخن گفته شده

چهل گانه باب، از معصوم صادر شده است؛ در حالی که المعتمد به آن اشاره‌ای نکرده است؛ المعتمد، ج ۲، ص ۵۱۰.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳؛ «وَأَمَّا إِذَا اختلفت المتون فالاعتماد على مدلول روایات غیر معتبره، موقوف علی ايجاب كثرة الأسناد للاطمینان بصدق المدلول المشترك والمتفق عليه بينها. وحصول الأطمینان يختلف باختلاف ذهنية الأشخاص وكيفية الاسانيد و حال الرواة وتعدد المصادر كثرة وقلة، واعتبار المصادر».

۲. همان، ج ۱، ص ۳۳ زیرنویس ۱.

۳. باتوجه به توضیحات حضوری آیت الله محمد آصف محسنی، این تعداد (چهار و پنج) بیشتر مربوط به ابواب فقهی است؛ مثلاً تعبیر «حرام» برای موضوعی ویژه است و این حکم برای قدر متفق موضوع ذکر شده و از چند روایت استنباط می‌شود؛ در واقع این نوع، برزخی بین متن واحد و متن غیر واحد است که یک کلمه حرام یا حلال در مورد موضوعی ذکر شده است.

۴. همان، ج ۲، ص ۴۲۰ «فيه روایات كثيرة ومطالب فقهية متعلقة بالقرائة والبسملة، فاذا وجدت خمس روایات متفقة على حكم فاعتمد عليها في اثبات الحكم للاطمینان بعدم كذب الروایات جميعا في ذلك وان كانوا من المجاهيل. بل يمكن الاعتماد على اربع روایات أيضاً».

۵. باتوجه به توضیحات حضوری آیت الله محسنی این تعداد، عدد قطعی نیست؛ بلکه بر اساس ذوق فقیه است که با چه تعداد روایت می‌تواند اطمینان به قدر مشترک پیدا کند؛

است.^۱

در ابواب معجزات اهل بیت علیهم السلام این روش اعتباربخشی به مضامین روایی به کار رفته است:

۱. در ابتدای ابواب معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله، یک باب به معجزه بودن قرآن اختصاص دارد؛ نویسنده مشرعه این باب را از مهم ترین ابواب بحار الانوار دانسته، تأکید می کند این باب، سند اسلام است و حقانیت دین را روشن می کند؛^۲ جالب آنکه در این باب از نظر نویسنده مشرعه، فقط یک روایت صحیح السند هست؛ ولی خود باب را در حد سند حقانیت دین، مهم تلقی کرده اند؛ همین تأکید جدی نشان می دهد که باتوجه به قرینه های دیگر در این باب، مانند کثرت روایات و قرینه های عقلی ناظر به محتوای روایات، مثل تحدی یا امی بودن پیامبر صلی الله علیه و آله، محتوای این باب معتبر است؛ نویسنده مشرعه این باب را برای کسی که با زبان عربی یا تاریخ اسلام آشنا باشد نافع می داند.^۳

۲. در باب جوامع معجزات نبوی اشاره شده: در این باب بحار الانوار روایات فراوانی نقل شده که سند آن ها معتبر نیست؛ ولی کثرت روایات، اصل اعجاز را در حد اثبات نبوت قطعی می کند؛^۴ روشن است که اعتبار مضمونی در این باب مورد تصدیق قرار گرفته است.^۵

خود ایشان در مواردی هشت روایت را برای استنباط و اطمینان به قدر متفق کافی دانسته اند.

۱. همان، ج ۲، ص ۴۷۳ «المذكورة برقم ۱۰، ۱۱، ۱۷ لاجل ما بعده، و ۱۹، ۲۲ معتبرة سنداً وكذا القدر المتفق عليه بين الروایات علی ما مر وهو قابل للاعتماد في جميع أبواب البحار اذا كانت روايتها تبلغ عشرة من مصادر متعددة أو من مصدر واحد موثوق به للاطمئنان بصدر مضمونها وان ضعفت اسانیدها»؛ (درالمعتبر اشاره ای به نظر نویسنده مشرعه نشده است، المعتبر، ج ۳، ص ۳۰۹ و ۳۱۰).

۲. همان، ج ۱، ص ۳۱۸) درالمعتبر به نظر نویسنده مشرعه اشاره ای نشده است، المعتبر، ج ۱، ص ۲۸۳).

۳. همان «هذا الباب من اهم ابواب الكتاب وفيه سند الاسلام واثبات حقیته وكونه دیناً سماویاً إلهیاً، وان شئت فقل ان هذا الباب اساس بحار الانوار و مفتاح السنة و قوام النبوة إثباتاً و اصل الأمامة و سائر النقیات»؛ (المعتبر علی رغم نظر نویسنده به نقل یک روایت بسنده کرده و حتی نظر صاحب مشرعه را نیز ذکر نکرده است؛ المعتبر، ج ۱، ص ۲۸۳).

۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۶.

۵. این باب درالمعتبر حذف شده است و اشاره ای به نظر نویسنده مشرعه نشده است؛ رک: المعتبر،

۳. این روش از اعتبارسنجی در سایر ابواب معجزات کتاب مشرعة استمرار دارد و از طریق استناد به تواتر اجمالی محتوای موجود در روایات غیر معتبر، اصل اعجاز به اثبات می‌رسد؛ نویسنده تصریح می‌کند ضعف سند به این امر خللی وارد نمی‌کند:

أورد المؤلف العلامة المتتبع خمسين معجزة لا يحتمل كذب جميعها فاذا صحت بعضها ثبت المطلوب. وان شئت فقل أنا ثبت المطلوب من طريق التواتر الاجمالي فهو فلا يضر ضعف اسناد كل رواية رواية وهذا واضح، ثم المذكور برقم ۴۷ معتبرة سنداً.^۱

۴. از موارد جالب دیگر تحلیل اخبار متعلق به خبرهای غیبی پیامبر ﷺ است که اهمیت آن را در حد باب اول معجزات، یعنی اعجاز قرآن دانسته‌اند که در اثبات اصل اسلام و نبوت نقش دارد؛ ایشان در این قسمت تکیه بر تواتر اجمالی و تواتر معنوی محتوای روایات را در اثبات نبوت مهم و ضروری تلقی کرده و از اینکه علامه مجلسی زحمت جمع‌آوری این حجم از میراث روایی را از منابع متفرق کشیده و کار را برای نسل‌های بعدی ساده کرده، از وی تجلیل نموده‌اند.^۲

۵. در باب ثواب محبت و نصرت و ولایت اهل بیت ﷺ پس از اشاره به کثرت روایات نقل شده در بحار الانوار، از این تتبع فوق‌العاده مجلسی در این کتاب، تقدیر شده و سپس اطمینان‌آوری این روایات نسبت به عناوین باب مورد تأکید قرار گرفته است؛ ایشان تأکید دارد: اساساً مجالی برای تردید در عنوان باب نیست؛ در همین باب نویسنده تأکید می‌کند که با دسته‌بندی موضوعی روایات باب می‌توان مطالب مورد اعتمادی را از مضامین مشترک روایات استخراج کرد:

أورد المؤلف المتتبع ۱۵۵ رواية دالة على المطلوب، فالعنوان ثابت بتلك

ج ۱، ص ۲۸۴.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۲۷) این ابواب درالمعتبر حذف شده است و به نظر نویسنده در مورد اعتبار فی الجمله محتوا اشاره نشده است؛المعتبر، ج ۱، ص ۲۸۴.)

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۸ (المعتبر برخلاف نظر نویسنده، مانند باب اول معجزات به نقل یک روایت بسنده کرده و حتی نظر صاحب مشرعة را ذکر نکرده است؛المعتبر، ج ۱، ص ۲۸۴.)

الروایات التي لا تدع كثرتها مجالاً للترديد فيها، بل من تعمق في الروایات يمكنه استخراج مشتركات اخرى غير ما في العنوان من كل طائفة من روايات موجبة للاطمئنان بصدر بعضها من الامام اجمالاً فلاحظ ولا تغفل وكن من تتبع المؤلف رحمه الله شاكراً.^۱

۶. در ابواب محن و فتن، شامل مجلدات ۲۸ تا ۳۴ بحار الانوار که در جلد دوم مشرعة مورد بررسی قرار گرفته است، نویسنده مشرعة مطالب زیادی را به استناد کثرت روایات و وجود قرینه‌های در منابع سنی مورد قبول و معتبر دانسته که پرداختن به آن از حوصله این نوشتار خارج است؛ با مطالعه دقیق این بخش مطالب فراوانی قابل تحصیل است و روش استفاده از اخبار بحار الانوار در این ابواب به خوبی معرفی شده است؛ به عنوان نمونه در باب شهادت عمار، نویسنده مشرعة مطالب متنوعی را از روایات باب استفاده کرد و در عین حال این باب را فاقد روایت معتبر دانسته است؛^۲ همچنین در نمونه دیگر، در باب جریان خوارج و جنگ نهروان، نویسنده مشرعة بدون تفکیک روایت معتبر و نامعتبر در آن، مطالبی را از مجموع روایات قابل استفاده می‌داند.^۳

۷. در پایان جلد ۳۴ در باب نوادر نویسنده مشرعة دوباره تأکید می‌کند: برای استفاده از این اخبار و تصحیح روایت یا مطلبی در این ابواب و امثال آن، با استفاده از قرینه‌های اطمینان‌آور باید به بررسی پرداخت و نبایستی در پی سند معتبر بود؛ چون تعداد این قرینه‌ها در این ابواب کم است؛ یعنی کم بودن روایات با سند معتبر، مانعی برای کسب مطالب معتبر از این روایات نیست؛ ولی باید قرینه‌های صحت و

۱. همان، ج ۲، ص ۷ (این باب درالمعتبر حذف شده و اساساً به رأی نویسنده مشرعة اشاره‌ای نشده است؛ المعتبر، ج ۱، ص ۷۲).

۲. همان، ج ۲، ص ۶۰.

۳. همان ج ۲، ص ۷۱ (جالب است که درالمعتبر از کل جلد ۳۲ بحار الانوار فقط یک روایت نقل شده است و بقیه حذف شده‌اند و از کل جلد ۳۳ بحار الانوار فقط نه روایت و از جلد ۳۴ فقط چهار روایت نقل شده است؛ متأسفانه المعتبر این شیوه از نقل را به آیت‌الله محمد آصف محسنی نسبت می‌دهند که ایشان در بحار الانوار روایات بسیار اندکی را معتبر می‌داند؛ در حالی که صاحب مشرعة مطالب فراوانی از اخبار را در این دو جلد معتبر می‌داند؛ ولی درالمعتبر به این رویه اشاره نشده است.

اعتبار آن‌ها را با دقت مورد بررسی قرار داد:

فیه مطالب متنوعه مفیده، وفیه کلام طویل حول اجتهاد النبی ﷺ و نقد ادلته من ۳۶۳ الی ص ۳۹۴، و ان شئت تصحیح مطلب و روایة من الباب و امثاله فلا بد من الرجوع الی القرائن المفیده للاطمئنان دون الاسناد المعتبرة، لعدم توفرها.^۱

۸. در باب برتری حضرت زهرا علیها السلام نیز مشاهده می‌شود فراوانی روایات نامعتبر نسبت به فضل حضرت زهرا علیها السلام بر سایرین دلالت جزمی دارد:

لعل فیه اکثر من ثمانین روایة فہی تثبت فضلها جزماً وان کانت کل واحدة منها غیر معتبرة سنداً و مصدرأً علی الاقوی.^۲

در برخی توضیحات، در کتاب مشرعة، در باب مناقب و فضائل حضرت زهرا علیها السلام، مضمون غضب خدا به دلیل غضب حضرت زهرا علیها السلام بی‌تردید و به استناد کثرت نقلی که دارد قبول شده است:

أقول : هذا المضمون وشبهه مدلول جملة من الروایات الواردة من طریق الشیعة وأهل السنة فلا ینبغی الترید فی صحته.^۳

۹. یکی از راه‌های اثبات اعتبار عناوین ابواب بحار الانوار، استناد آن به گروهی از روایات هرچند ضعیف است که نویسنده مشرعة در موارد فراوانی به آن اشاره کرده است.^۴

۱۰. در ابواب تاریخ حسنین علیهم السلام گفته شده، از بررسی روایات بحار الانوار و استخراج مضامین مورد اتفاق گروهی از روایات نامعتبر، مطالب یقینی مختلفی در

۱. همان، ج ۲، ص ۸۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۳۲ (در کتاب المعبر تنها یک روایت دال بر عصمت حضرت زهرا علیها السلام و روایتی در باب جفر ذکر شده است و به این دلالت قطعی که نویسنده نسبت به آن تصریح کرده، اشاره‌ای نشده است؛ المعبر، ج ۲، ص ۱۰).

۳. همان، ج ۲، ص ۱۳۳ (این روایت در المعبر نقل نشده است؛ المعبر، ج ۲، ص ۱۰).

۴. همان، ج ۲، ص ۱۵۳ باب‌های ۲۷، ۳۰ و ۳۱؛ مثلاً در باب ۳۱ می‌نویسند: «یکن اثبات العنوان فی الجملة بمجموع روایات الباب وان لم یصح سند کل واحدة منها».

مورد تاریخ ایشان قابل استفاده و معتبر است.^۱

در ابواب دیگری از تاریخ معصومان علیهم السلام اشاره به همین روش تکرار شده است؛ از جمله در باب ۲۱: احوال أهل زمان امام حسن علیه السلام^۲ و باب معجزات امام حسین علیه السلام^۳ و باب مکارم اخلاق امام حسین علیه السلام^۴ و باب احتجاج امام حسین علیه السلام بر معاویه و سایر ابواب نظیر باب ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۶ و ۳۹ و ۴۶ از ابواب تاریخ امام حسین علیه السلام افزون بر ذکر روایت معتبر السند، در همگی به همین روش قدر متفق در مضامین موجود، در روایات باب تذکر داده، شده است.^۵

۱۱. در باب احوال فرزندان امام سجاد علیه السلام این بحث تکرار شده است.^۶

۱۲. در ابواب تاریخ امام باقر علیه السلام همین روش مشاهده می شود؛ مثلاً در باب معجزات امام باقر علیه السلام که بیش از نود روایت دارد؛ نویسنده مشرعه بر آن است که مجالی برای احتمال کذب تمام این روایات نیست:

فيه اكثر من تسعين رواية غير معتبرة، والعلم الاجمالي قائم بصحة بعضها اذ لا مجال لاحتمال كذب جميعها حتى بعد اخراج ما هو مظنون الوضع من رواية أو روايتين.^۷

۱۳. در ابواب امام صادق علیه السلام، در باب معجزات ایشان که بیش از ۲۳۰ روایت است، نویسنده مشرعه کم بودن تعداد روایات معتبر آن را امر غریبی می داند و در عین حال تأکید می کند که با دسته بندی این روایات، به صحت برخی روایات هر قسم علم پیدا می شود و معجزات ایشان قطعی است؛ علم به امامت ایشان نیز از این طریق حاصل می شود؛ همین طور در باب روابط امام با منصور به حصول علم

۱. همان، ج ۲، ص ۱۴۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۵۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۵۲.

۴. همان.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۵۸.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۶۲.

۷. همان، ج ۲، ص ۱۶۳ (این باب درالمعتبر حذف شده و نظر نویسنده مشرعه مطرح نشده است؛

المعتبر، ج ۲، ص ۵۰).

اجمالی به صحت برخی روایات فراوان در این باب تصریح می‌کند و معتبر نبودن سند را مانع حصول این علم نمی‌داند؛^۱ این روش در ابواب سایر معصومان علیهم‌السلام نیز استفاده شده است.^۲

۱۴. یکی دیگر از نمونه‌های جالب، کارکرد قدر مشترک روایات در اثبات ولادت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که در ابواب تاریخ ایشان مورد تصریح قرار گرفته و سپس به قرینه اعتراف مخالفان تقویت شده است.^۳

۱۵. در باب رجعت، تعداد روایات بحار الانوار بسیار فراوان است؛ در نتیجه آیت‌الله محسنی بازهم بر قطعیت مشترکات و اصل آن تأکید دارند؛^۴ نویسنده مشرعه در ادامه، روایات این باب را در چهارده گروه دسته‌بندی کرده، مدلول هر گروه را مطرح می‌کند؛ در این باب ایشان روش مورد نظر را به صورت عملی‌تری اعمال کرده و مضامین مورد اتفاق را شناسایی کرده‌اند؛^۵ سپس نویسنده در پی بررسی مصادر باب در مورد قطعیت برخی جهات گرفته‌شده از این دسته‌بندی روایات می‌نویسد:

نعلم اجمالاً بصدور جمله منها من أئمة أهل البيت فنقول برجوع جمع من الناس الاموات والمقتولين في زمان القائم عليه السلام و قد ادعى عليه الاجماع أيضاً، ومن قال برجوع امير المؤمنين عليه السلام بل وبرجوع الحسين عليه السلام لا نراه

۱. همان، ج ۲، ص ۱۶۸ و ۱۶۹ (در این دو باب نظرات صاحب مشرعه درالمعتبر مورد اشاره قرار نگرفته است؛المعتبر، ج ۲، ص ۶۲ و ۶۳).

۲. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۸۴ (درالمعتبر به نظر نویسنده مشرعه اشاره‌ای نشده است؛المعتبر، ج ۲، ص ۸۸ و ۹۱)؛ همچنین ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۹۰ ابواب تاریخ امام رضا عليه السلام و ص ۲۰۰ و ۲۰۲ و ۲۰۴ ابواب معجزات امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم‌السلام (درالمعتبر به این استفاده صاحب مشرعه از روایات اشاره‌ای نشده و به نقل روایات معتبرالسند اکتفا شده است؛ روشن است این روش دیدگاه مورد نظر صاحب مشرعه از بحار الانوار را آشکار نمی‌کند و مورد رضایت ایشان نیست).

۳. همان، ج ۲، ص ۲۰۸ (درالمعتبر صرفاً یک روایت نقل شده است و به نظر نویسنده در باب مشترکات سایر اخبار و وجود قرینه‌های مختلف از منابع مخالفان و قطعی بودن ولادت در مدلول این روایات اشاره نشده است؛المعتبر، ج ۲، ص ۱۸۱).

۴. همان، ج ۲، ص ۲۳۶.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۳۶-۲۳۸.

ملوماً ومبالغاً وهذا المقدار من دون الخوض في تفاصيل الموضوع مسلم. و ثابت من الأخبار.^۱

در پی این جمع بندی نویسنده مشرعه به بحثی قرآنی در مورد رجعت پرداخته و در نهایت خاتمه ای برای این باب نگاشته و نوشته ها، شواهد و قرینه های فراوانی که در اثبات رجعت وجود دارد را در آن ذکر نموده است؛^۲ ایشان از تلاش های تمام بزرگانی که برای حفظ میراث اهل بیت علیهم السلام تلاش کرده اند تشکر کرده و برای آنها دعا می کند؛ البته دقت در این مطالب میزان اهتمام نویسنده مشرعه به موضوع رجعت، اثبات آن و تبیین برخی مطالب معتبر پیرامون آن را روشن می سازد.^۳

۳. اعتبار روایت به قرینه آیات

یکی دیگر از قرینه های سنجش اعتبار روایت نزد آیت الله محمد آصف محسنی تأیید متن توسط آیات قرآن است؛ در کتاب مشرعه در مواردی ایشان به استناد آیات، روایات نامعتبر یا مضمون آن ها را پذیرفته اند؛ البته نکته ای که در کتاب بحار الانوار باید به طور مفصل مورد تحقیق قرار بگیرد و نویسنده مشرعه نیز در برخی موارد به آن پرداخته، آیاتی است که اول هر باب توسط علامه مجلسی رحمته الله نقل شده و این آیات در حکم قرینه هایی هستند که علامه مجلسی رحمته الله برای باب ذکر کرده است و بررسی نقش آن ها در اعتبار بخشی به روایات، محتاج تلاش و دقت علمی - تحقیقی است.

۱. در باب الأعراف و أهلها، ایشان با آنکه سند هیچ یک از روایات را معتبر ندانسته اند؛ ولی به اتکای آیات قرآن، مضمون و مدلول روایات را درست و معتبر تلقی کرده اند:

وأما روایات الباب - وهي اکثر من عشرين رواية - فلم يثبت اعتبار واحدة منها سنداً. نعم هي بمجموعها غير خارجة عن الآيات المباركة فانها تدل على

۱. همان، ج ۲، ص ۲۳۹ و ۲۴۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.

۳. متأسفانه اساساً در کتاب معتبر تمامی باب مربوط به رجعت حذف شده است و به هیچ یک از دیدگاه های نویسنده مشرعه اشاره نشده است؛ این روش باعث تأمل و نگرانی است و از دیدگاه صاحب مشرعه و روش علمی ایشان به دور است.

۱. آن ائمة أهل البيت هم الرجال الواقفون على الأعراف وهو قريب جداً.
 ۲. در باب سکینه و روح ایمان، نویسنده مشرعه در روایت صحیحهای به دلیل درون متنی اشکالاتی را مطرح کرده و سپس به دلیل وجود آیات قرآنی و کثرت روایات در این زمینه امکان رد حدیث را به دلیل ظاهر متن منتفی دانسته‌اند؛ از ظاهر این تعابیر برمی‌آید بر مبنای نظر آیت الله محمد آصف محسنی با اینکه گاهی متن، قرینه صحیح نبودن، روایت است؛ ولی در همان حال فراوانی قرینه‌هایی مثل آیات و سایر اخبار، می‌تواند مانع این قرینه متنی شود:

۱. صحیح ابان بن تغلب عن الصادق عليه السلام: «ما من مؤمن إلا ولقلبه أذنان في جوفه، أذن ينفث فيها الوسواس الخناس واذن ينفث فيها الملك» ص ۱۹۹. الاعتماد على ظاهر الحديث في غاية الأشكال، اذ القلب كاليد والمجدل والطحال والكبد وسائر الأعضاء في عدم شعوره وفقدان ادراكه. ولا يمكن رد الحديث لأن في القرآن آيات كثيرة في ذلك ولكثرة الروايات.
 ۲. در باب رجعت پس از نقل روایات فراوان، آیات دال بر رجعت را به عنوان قرینه صحت مطلب ذکر می‌کنند:

الكتاب الحكيم يدل على الرجعة وهي إحياء الأموات في الجملة، في الدنيا. كقوله عز وجل ...

نعم هذه الآيات تدل على امکان الرجعة و وقوعها في الماضي وبضميمة ما ورد عنه عليه السلام لتتبع سنن من قبلكم شبراً بشبر وذراعاً بذراع حتى لو دخلوا جحر ضبٍ لتبعتموهم ... يدل على وقوعها في هذه الأمة أيضاً فتأمل ...
 ۳.

۴. در باب حدوث عالم، در مورد حدوث آسمان، به برخی آیات استدلال شده و به انضمام روایات مطلب ثابت شده است.
 ۴.

۱. همان، ج ۱، ص ۲۲۰ باب الأعراف و أهلها؛ (این باب در کتاب المعتبر حذف شده است).
 ۲. همان، ج ۲، ص ۳۴۴.
 ۳. همان، ج ۲، ص ۲۴۰.
 ۴. همان، ج ۲، ص ۲۵۵.

۵. در باب حقیقة الجن، با وجود روایات فراوان، نویسنده مشرعة از دلالت آیات قرآن برای مسلم بودن حقیقت جن به عنوان قرینه اصلی استفاده کرده است و جن را به تعبیر روایات جسم لطیف و موجودی مکلف دانسته است.^۱

۶. در باب نهی از دوستی با کافران، نویسنده مشرعة می‌گوید: به استناد آیات فراوان باب، ضعف سند روایات آن مشکلی ایجاد نمی‌کند:

فيه آیات كثيرة فلا يضر ضعف رواياته سنداً.^۲

۴. اعتبار روایت نقل شده از طریق مخالفان

در کتاب مشرعة، در موارد بسیاری ذکر مطلب یا روایت از طریق مخالفان قرینه‌ای مهم برای اطمینان به صحت صدور دانسته شده است؛ نویسنده مشرعة در ابواب فضائل و مناقب امیرمؤمنان علیه السلام به دو باب از بحار الانوار که اختصاص به فضائل ظاهر شده از امام علی علیه السلام در دوجنگ خندق و خیبر دارد، اشاره می‌کند؛ و بایان قاعده کلی در استفاده از اخبار مخالفان و اعتبار مدلول آن، هرچند سند آن‌ها ضعیف باشد، می‌پردازد که بسیار مهم و سازنده است:

الباب ۷۰؛ ما ظهر من فضله علیه السلام يوم الخندق (۳۹ : ۱)

الباب ۷۱؛ ما ظهر من فضله علیه السلام في يوم خيبر (۳۹ : ۷)

... واما روایات الباین المنقولة من أهل السنة فتارة نقصد بنقلها الزام المخالفين جدلاً، فهو سهل المؤنة، و اخرى نقصد بها اثبات مناقب اميرالمؤمنين و فضائله، اما من باب الخطابة فهو أيضاً سهل المنال، و اما من باب البرهان فهو أيضاً امر ممكن و ان كان رواها عندنا من الضعفاء أو المجهولين، و توضيح ذلك:

أن الخبر الواحد إنما يحتاج في إفادته الظن أو في اتصافه بالحجية الشرعية الى وثاقة رواته إذا لم يقترن بقرينة قطعية أو موجبة للاطمئنان. وإلا فهو برهان عقلا على الاول و دليل معتبر شرعاً و عرفاً على الثاني، فان الاطمئنان عند

۱. همان، ج ۲، ص ۳۱۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۸۱.

العرف كالقطع عند العقل في الحجية، والشارع الاقدس لم يشرع طريقا خاصة في مقام الاحتجاج وبيان احكامه وشرائعه مغايرا لطريقة العرف العام. فيظهر منه امضاؤه للاطمئنان واعتماده عليه.

والروايات المشتملة على فضائل اميرالمؤمنين ومناقبه وان كانت مروية من طريق الشيعة فلا عبرة بها ما لم تحرز وثاقة روايتها وتدينهم وتورعهم عن الكذب، لان مقتضى الوضع والمجمل متحقق في كل حبيب لحبيبه و زعيمه بالضرورة المحسوسة، فلا بد من اثبات المانع وهو الديانة والوثاقة والمعرفة حتى يثبت تنفرد الرواة عن الكذب والاكْتفاء على الصدق وان كان مخالفاً لهواهم.

ومنه يظهر عدم الاعتماد على فضائل الخلفاء برواية اتباعهم عند عدم احراز المانع المذكور كما لا يخفى.

واما اذا نقل العدو فضيلة لعدوه أو من لا يعجب بمدح المروي فيه، و قد ظهر في بعض المواضع تصرفه السيء في بعض فضائله أو كتمانها من رأس كالبخاري و امثاله في حق علي عليه السلام. فالقرينة قائمة على صحة هذه الروايات لان الداعي لإظهارها غير متوفر عندهم فضلا عن الداعي الى وضعها واختلاقها، فاذا رويت هذه الفضائل بطريقتين أو ثلاثة طرق توجب الوثوق بصحتها اذا احرزنا ان في الرواة لا يوجد شيعي^۱.

نويسنده مشرعة برهمنين سياق چند باب ديگر در فضائل اميرمؤمنان عليه السلام را تاييد مي‌کند؛^۲ همچنين در ابواب فضائل و مناقب امام علي عليه السلام، بابي مختص تقسيم کننده جهنم و بهشت بودن امام علي عليه السلام و جواز عبور از صراط بودن ايشان است همچنين بابي در ساقی حوض بودن امام علي عليه السلام و نيز بابي وجود دارد در آنچه از مقامات امام علي عليه السلام هنگام مرگ ديده مي‌شود؛ نويسنده مشرعة همه اين ابواب را به قرينه وجود روايات اهل سنت در آن‌ها تاييد کرده است.^۳

۱. همان، ج ۲، ص ۱۰۴؛ «اين عبارت نشان مي‌دهد كه نويسنده مشرعة به اخبار اين باب‌ها اعتماد دارد؛ ولي متأسفانه در كتاب المعتبر اين باب‌ها و امثال آن، به صورت كامل حذف شده‌اند».

۲. همان، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۰۹ باب‌های ۸۴ تا ۸۷؛ (اين ابواب همراه كل جلد ۳۹ بحار الانوار كه شامل

در ابواب آیات نازل شده در شأن امام علی علیه السلام که بر فضیلت و امامت ایشان دلالت می‌کند سه باب به آیه «انما ولیکم الله» و آیه تطهیر و آیه «هل أتى» اختصاص یافته است؛ نویسنده مشرعه در هر سه باب سخن از نبود روایات معتبر السند از طریق شیعه می‌کند و سپس در هر سه، سخنانی دال بر مسلم بودن نزول این آیات در حق امام علی علیه السلام، خصوصاً به قرینه روایات نقل شده از طرق اهل سنت می‌کند و از تلاش‌های نویسنده بحار الانوار و سایر علما در این زمینه قدر دان است؛^۱ نویسنده مشرعه پس از این سه باب، در آیات نازله در شأن امام علی علیه السلام از بررسی ابواب دیگر مربوط به آیات نازله در شأن امام علی علیه السلام (از باب هفت تا باب ۳۹) منصرف می‌شود و طی یک تحلیل کلی، با اشاره به کمی روایات معتبر السند از طریق خاصه در این ابواب، به استناد وجود قرینه مهم نقل این روایات در کتب مخالفان، آن‌ها را دارای قرینه صحت و اعتبار مضمونی می‌داند:

و أما الباب ۷ الی الباب ۲۴ وهو آخر الجزء ۳۵ فكلها تتضمن روایات نزول آیات فی حق امیر المؤمنین، و الروایات المعتبرة سندا فیها قليل جدا، كالمذكورة برقم ۸ ص ۲۹۲ الباب ۹ و برقم ۲ ص ۳۷۵ الباب ۱۷، ولكن روایات اهل السنة ربما تعد قرينة علی صحتها اذ لا داعي لهم لوضع الفضائل فی حقه علیه السلام و اذا كان مدلول الروایات انطباق الآيات علیه من باب التطبيق فالامر سهل ...^۲

نویسنده مشرعه در بررسی ابواب جلد ۳۶ بحار الانوار که به طور عمده به روایات دوازده امام اختصاص دارد، باب نصوص پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد امامان علیهم السلام را مورد تحلیل قرار می‌دهد و می‌گوید: این باب یکی از بزرگترین ابواب روایی از جهت تعداد

مناقب و فضایل علوی است، در کتاب المعتبر حذف شده‌اند؛ المعتبر، ج ۱، ص ۴۶۲.

۱. همان، ج ۲، ص ۸۵-۸۸؛ (این سه باب در المعتبر حذف شده است و اصلاً اشاره‌ای به نظر نویسنده مشرعه نشده است؛ المعتبر، ج ۱، ص ۴۵۵).

۲. همان، ج ۲، ص ۸۹؛ (کل این ابواب در جلد ۳۵ و ۳۶ بحار الانوار که مورد اشاره نویسنده مشرعه است و نسبت به اعتبار آنها تصریح دارد از المعتبر حذف شده است و حتی به نظر نویسنده مشرعه، دال بر اعتبار این اخبار اشاره‌ای نشده است و بالاتر، اشاره نشده که صاحب مشرعه در این ابواب بنا نداشته روایات شیعی را به دقت از نظر سندی بررسی کند؛ المعتبر، ج ۱، ص ۴۵۸).

است که فراوانی مصادر آن نسبت به موضوع آن اطمینان آور است و نیازی به تصحیح سندهای آن نیست و صدور محتوا فی الجمله قطعی است؛^۱ نویسنده مشرعه بعد از تحلیل این باب، اشاره می‌کند که سایر ابواب این جلد دارای دلالت یقینی بر صحت امامت امامان دوازده‌گانه و صحت مذهب است و آن‌ها را مثل باب اخیر، در اثبات حقانیت مذهب امامیه مهم می‌داند.^۲

همچنین در جلد ۳۷ بابی به روایات مناقب اصحاب کساء اختصاص یافته است؛ نویسنده مشرعه این باب را به ابواب پیش‌گفته، از نظر اعتبار دلالت بر مدعا، ملحق می‌داند و تذکر می‌دهد که هم مستندات و شواهد این اخبار از طرق خاصه و عامه بیش از اینهاست و هم قدر مشترک روایات، اگر بررسی شود مطالب دیگری از این روایات مستفاد است.^۳

یکی از مضامین قطعی اعجاز، وقوع شق القمر توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و رد الشمس برای امیرمؤمنان علیه السلام است؛ شاهد بر این امر اشتراک فریقین بر نقل و برخی قرینه‌های دیگر است؛^۴ همچنین در باب درود بر اهل بیت علیهم السلام براساس اینکه بیشتر روایات از طریق اهل سنت ذکر شده، مدلول روایات باب، معتبر تلقی شده است:

أورد فيه روایات كلها أو معظمها من طريق أهل السنة ولنعم ما صنع.^۵

۱. همان، ج ۲، ص ۹۲ و ۹۳.
۲. همان، ج ۲، ص ۹۴؛ (در کتاب *المعتبر* تمام این باب‌ها حذف شده است به جز باب نصوص الرسول صلی الله علیه و آله که صرفاً عنوان باب بدون هیچ روایتی نقل شده است و سپس در زیرنویس آقای حب الله به نظر نویسنده مشرعه به اختصار اشاره کرده‌اند؛ *المعتبر*، ج ۱، ص ۴۵۹: يبلغ مجموع روایات الباب (۲۴۰) روایة أو أكثر. قال الشيخ المحسنی (۲/ ۹۳): وروایات الباب لا تحتاج إلى تصحیح أسانیدها؛ لأنها توجب القطع بصدور جملة من مضامینها، فلاحظ وتدبر، وكانت الأبواب (۴۲ - ۴۸) لها حکم الباب الأول من ناحية القطع والیقین بصحة المذهب. (لکن لا ندري هل من الناحية السندية البحتة يوجد حديث صحيح عند الشيخ المحسنی هنا أو لا؟ / حب الله).
۳. همان، ج ۲، ص ۹۶ (این باب از *المعتبر* حذف شده است؛ *المعتبر*، ج ۱، ص ۴۵۹).
۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۶ (این باب از *المعتبر* حذف شده است و به نظر نویسنده مشرعه اشاره ای نشده است؛ *المعتبر*، ج ۱، ص ۲۸۴).
۵. همان، ج ۲، ص ۱۶ (این باب از کتاب *المعتبر* حذف شده است).

در باب «انهم شفعاء الخلق» آمده است: روایات نامعتبر در اثبات عنوان، کفایت نمی‌کند؛ ولی به قرینه آیات، مقام شفاعت ایشان ثابت می‌شود و به قرینه نقل اهل سنت در وجوب حب اهل بیت علیهم‌السلام، سؤال از محبت ایشان مثل هر واجبی قطعی است و در مورد اینکه حساب مخلوقات در قیامت برعهده اهل بیت علیهم‌السلام است، ایشان می‌گویند: در صورتی که برای کسی از جهت نقل روایات فراوان در این موضوع علم حاصل شود، برای وی، این باور حجت است؛ در این باب در عین اینکه روایت معتبری وجود ندارد؛ نویسنده با توجه به سایر قرینه‌ها، از جمله نقل در منابع سنی، نتایجی را معتبر تلقی می‌کند:

... اما السؤال عن حبهم فلا يحتاج اثباته الى رواية بعد ادعاء بعض أهل السنة الإجماع على وجوب محبتهم و كل واجب يسئل عنه يوم القيامة فضلا عن السؤال عن امامتهم و هي من اصول العقائد عند الامامية. و اثبات الشفاعة لهم أيضا واضح ...^۱

در ابواب مختلفی از مباحث محن و فتن، که در بحار الانوار از منابع اهل سنت اخباری را نقل کرده است؛ صاحب مشرعة مطلب را به دلیل نبودن انگیزه بر جعل در این امور، معتبر دانسته است:

لا مجال لرد جميع الروايات لكثرتها و تعدد مصادرهما و لعدم الداعي على جعلها فشركات هذه الروايات قابلة للأخذ بها والاعتماد عليها.^۲
ایشان اخبار دال بر ارتداد برخی صحابه را نیز به همین روش معتبر دانسته است:

واما الأحاديث الواردة في ارتداد جمع من صحابته رضي الله عنهم كما نقلها المؤلف المتبع رضي الله عنه فهي كثيرة و اثر الصدق عليه لائح، اذ لا داعي لأهل السنة في جعلها و هم يحبون الصحابة، و هي مذكرة في صحاحهم و كلها مذكرة في كتاب: (نظرة عابرة الى الصحاح الستة) فلاحظ.^۳

در باب شکایت امیرمؤمنان علیه‌السلام نسبت به خلفای قبل، قرینه نقل اخبار از طریق

۱. همان، ج ۲، ص ۱۹ (ابن باب ازالمعتبر حذف شده است).

۲. همان، ج ۲، ص ۲۰ (ابن باب ازالمعتبر حذف شده است).

۳. همان، ج ۲، ص ۲۲ (ابن باب ازالمعتبر حذف شده است).

اهل سنت در قطعی شدن مدعی کفایت می‌کند؛ نویسنده مشرعه بر آن است که عده‌ای در تلاش بوده‌اند وجود اختلاف میان علی علیه السلام و مخالفان ایشان را در حد یک امر اجتهادی مورد مغفرت تنزل دهند؛ از این رو نویسنده بحار الانوار این باب و شواهد فراوان آن را برای اتمام حجت جمع‌آوری کرده است:

الباب ۱۵: شکایة أميرالمؤمنين عليه السلام عن تقدمه من المتغلبين الغاصبين (۲۹: ۴۹۸)

أورد فيه المصنف ۶۹ شاهداً من الأحاديث والروايات والمذكورة برقم ۱۷ معتبرة سنداً، وروايات العامة مقرونة بقريته عدم الكذب غالباً فان العدو لا يكذب بمدح عدوه. والمدعي ضروري لغير المعاندين المكابرين...

وذهب جمع من الاغبياء الى انكار ذلك كله وانه لم يكن بين علي ومخالفيه ومحاربيه عداوة ونزاع سوى الاختلاف الاجتهادي المغفور لاربابه!! وهذا هو الذي الجأ المؤلف الى عقد هذا الباب وجمع الشواهد له اتماماً للحجة ودفاعاً عن الحق الثابت الواضح، يعتقد علي و العباس أن الخليفتين كاذبين آئمين غادرين خائنين كما في صحيح مسلم (كتاب الجهاد ح ۴۹) و جامع الاصول (۲: ۶۹۷ - ۷۰۹) وغيرهما.

ويشبهه عتيق علياً بالثعلب شهيدته ذنبه ويعني بذنبه سيدة نساء العالمين فاطمة الصديقة التي اذهب الله عنها وعن بعلمها وولديهما الحسين الرجس،...

وان شئت الوقوف على بعض مصادر الحديث : «من سب علياً فقد سبني» وحديث: «علي مع الحق والحق مع علي» من كتب العامة فلاحظ وأخر هذا الباب (۲۹: ۶۴۵ و ۶۴۶)¹.

دقت در کلمات و تعابیر نقل شده روشن می‌کند: نویسنده دلیل‌های معتبر در این باب را، با توجه به کثرت روایات و قرینه‌های منابع سنی، فراوان و قوی می‌داند.²

۱. همان، ج ۲، ص ۳۴.
 ۲. روشن است که رویه کتاب‌المعتبر که در این باب، به نقل یک روایت اکتفا کرده مورد رضایت نویسنده مشرعه نیست و روایات معتبر در این باب با توجه به قرینه‌های مورد اشاره

۵. اعتبار باب‌های نصوص دلالت‌کننده بر امامت امیرمؤمنان علیه السلام از طرق سنی و شیعه

در جلد ۳۷ بحار الانوار باب‌هایی به اخبار دال بر امامت امیرمؤمنان علیه السلام اختصاص دارد که روایات شیعه و سنی در آن به صورت مفصل جمع‌آوری شده‌اند؛ نویسنده مشرعه بر اساس مبنای اعتبارسنجی روایاتی که در منابع سنی، قرینه محکمی بر صحت این اخبار هست، نیازی به بررسی سندی آن‌ها نمی‌بیند و این ابواب را به روشنی مورد قبول و معتبر دانسته، مدلول آن‌ها را مهم و سرنوشت‌ساز تلقی کرده است.^۱

مؤلف مشرعه این شیوه را در باب‌های زیر نیز ادامه داده است:

الباب ۵۳: اخبار المنزلة و الاستدلال بها على امامته علیه السلام (۳۷: ۲۵۴)^۲

الباب ۵۴: ما أمر به النبي صلی الله علیه و آله من التسليم عليه بامرة المؤمنين (۳۷: ۲۹۰)^۳

الباب ۵۷: في انه مع الحق والحق معه (۳۸: ۲۶)^۴

بیش از اینهاست؛ گرچه سند یک روایت از طرق شیعه در نظر ایشان معتبر باشد؛ (المعتبر، ج ۱، ص ۴۳۶)؛ همچنین برای ملاحظه موارد بیشتر ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۶۰ (درالمعتبر به نظرات نویسنده مشرعه اشاره نشده است؛المعتبر، ج ۲، ص ۴۱ و ۴۲) و همان، ج ۲، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۱. همان، ج ۲، ص ۹۶-۱۰۲ الباب ۵۲: اخبار الغدير وما صدر في ذلك اليوم... این باب درالمعتبر، ج ۱، ص ۴۶۱ با نقل یک روایت آمده است:

«قال الشيخ المحسنی (۲/ ۹۶) في روايات واقعة الغدير: وصدور جملة من ألفاظ الحديث من النبي الأكرم صلی الله علیه و آله في حق وصيه علي علیه السلام متواترين المسلمين لا يقبل التشكيك.»

۲. این باب درالمعتبر، ج ۱، ص ۴۶۱ بدون نقل روایت عنوان خورده است و تنها در زیرنویس آمده است:

«يبلغ مجموع روايات الباب (۴۳) رواية، ويعتقد الشيخ المحسنی (۲/ ۹۸) تبعاً لغيره من العلماء: أن حديث المنزلة من قبيل الأخبار المتواترة المقطوع صدورها. (لكنه لم يشر إلى رواية بعينها معتبرة سنداً هنا وفقاً للقواعد السنية الصرفة / حب الله).»

۳. این باب درالمعتبر، ج ۱، ص ۴۶۱ بدون نقل روایت عنوان خورده است و تنها در زیرنویس آمده است:

«يبلغ مجموع روايات الباب (۸۱) رواية، قال الشيخ المحسنی (۲/ ۹۹): فيه روايات كثيرة توجب الإطمئنان بتسمية علي أمير المؤمنين. (لكنه لم يشر مع الأسف إلى رواية بعينها معتبرة سنداً وفقاً للقواعد السنية الصرفة / حب الله).»

۴. این باب درالمعتبر بدون نقل روایت عنوان خورده است و تنها در زیرنویس آمده است:

«يبلغ مجموع روايات الباب (۱۸) رواية. قال الشيخ المحسنی (۲/ ۱۰۰) من وقف على روايات الباب ربما يطمئن بصدور الحديث من رسول الله صلی الله علیه و آله. (لكنه لم يشر إلى رواية بعينها معتبرة سنداً هنا وفقاً للقواعد السنية الصرفة / حب الله).»

الباب ۶۱: جوامع الاخبار الدالة على امامته من طرق الخاصة والعامه.^۱ مشاهده می شود که در ابواب مورد نظر، نویسنده مشرعه به استناد نقل اخبار، در منابع مخالفان، احتمال دس و جعل را منتفی دانسته و اخبار را معتبر شمرده است؛ تعداد این روایات بیش از سیصد روایت است.^۲

۶. اعتبار روایت از طریق تحلیل ترکیبی مضمون و سند

نویسنده مشرعه در باب نصوص الاهی بر امامت اهل بیت علیهم السلام اشاره می کند: این باب ۲۲ روایت دارد که سند آن ها معتبر نیست؛ ولی ایشان روایات دال بر تعداد دوازده امام را به استناد کثرت آن ها قطعی می داند و آن را برای حقانیت مذهب شیعه دلیلی مهم معرفی می کند؛ همچنین ایشان در این باب به صورت خاص روایت سوم را مورد دقت و تحلیل قرار می دهد؛ نویسنده مشرعه با اشاره به سند این روایت در کتاب های کمال الدین و عیون اخبار الرضا علیه السلام بیان می کند که سند روایت تا یکی از راویان به نام بکرن صالح صحیح است؛ سپس با توجه به این مطلب که بکرن صالح از اصحاب امام کاظم علیه السلام (بنابر قول نجاشی) و یا اصحاب امام رضا علیه السلام (بنابر قول شیخ طوسی) بوده و امامت چهار امام آخر علیهم السلام را درک نکرده است؛ استدلالی را مطرح می کند که در نتیجه آن ضعف بکرن صالح و راویان پیش از او ضرری به صحت متن روایت وارد نمی کند.

استدلال این گونه است: احتمال اینکه بکر و راویان پیش از او به دروغ، نام و مشخصات چهار امام آخر علیهم السلام را برده باشند و این امر در آینده به همین صورت محقق شود، نزدیک به صفر است؛ پس یا باید قائل شد که ایشان در نقل این روایت صادق بوده اند و یا این که امامت امامان متاخر علیهم السلام در زمان بکر و راویان پیش از او، امری شناخته شده و معروف از ناحیه امامان علیهم السلام بوده است که این

۱. این باب در المعتمد حذف شده و عنوان آن هم نیامده است.
 ۲. متأسفانه در کتاب المعتمد از مجموع صدها روایات ذکر شده در این باب به نقل دور روایت اکتفا شده است؛ البته در این قسمت به صورت استثنایی عنوان باب آمده است و اشاره مختصری به نظر نویسنده مشرعه شده است که اگر این روش در کتاب المعتمد رعایت می شد به امانت داری در معرفی نظریه آیت الله محمد آصف محسنی نزدیک تر بود.

راویان توانسته‌اند با اخذ آن مطلب، چنین حدیثی را سامان دهند؛ نتیجه آنکه در هر دو صورت بیان امامت امامان متاخر علیهم‌السلام از لسان امامان پیشین ثابت می‌گردد. استدلال آیت‌الله محمدآصف محسنی بسیار شبیه به استدلالی است که مرحوم شیخ صدوق رضی‌الله‌عنه در کتاب کمال‌الدین از ابن‌قبة رازی^۱ آورده و خود شیخ صدوق به تفصیل در مقدمه ابتدای کتاب^۲ آن را ذکر کرده است و نویسنده مشرعه نیز از همین راه پیش می‌رود:

أقول : سند الرواية الى بكرين صالح معتبر... واما بكرين صالح فهو ضعيف وعبدالرحمن مجهول لكن لا يضران بصحة اصل المتن في الجملة وعدد الأئمة وبيان اسمائهم، سواء صدقا في رواية الحديث ام كذبا.

اما في فرض الصدق فالسند بتمامه يصبح معتبرا، واما في فرض الكذب فيفهم منه مزج الكذب والصدق، اذ اخبارهما وقع في المستقبل من زمانهما مطابقاً للواقع بالنسبة الى اسامي الأئمة بعد الكاظم عليه‌السلام فان بكرا عند الشيخ من اصحاب الرضا عليه‌السلام وعند النجاشي من اصحاب الكاظم عليه‌السلام وعبد الرحمن من اصحاب الباقرين عليه‌السلام بقول الشيخ واحتمال تصادف افتراءهما وكذبهما مع الواقع في عدد الأئمة وفي اسامي الأئمة الأخيرة قريب إلى الصفر عند العقل فيفهم بوضوح شهرة اسامي الأئمة وعددهم في زمان بكرأو عبد الرحمن فاخذهما احدهما ومزجهما باكاذيبه على فرض الكذب.

فقد ثبت بهذا أن الأئمة عليه‌السلام قالوا لشيعتهم عدد الأئمة واساميمهم، وهذا هو الدليل على صحة مذهب الشيعة فافهم واغتم.^۳

در انتهای همان بحث، نویسنده مشرعه تذکر می‌دهد که این روش در احراز صحت متن حدیث، به‌رغم احتمال کذب راوی ضعیف یا مجهول آن، روشی است که در موارد دیگری هم قابل استفاده است:

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۱۹.

۳. مشرعه بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۰ و ۹۱؛ متاسفانه درالمعتبر نه تنها به بیان نویسنده مشرعه اشاره نشده است؛ بلکه اثری نیز از این باب نیست؛المعتبر، ج ۱، ص (۴۶۱).

و هذا الطريق الذي ذكرنا لصحة متن الحديث مع فرض كذب الراوي الضعيف أو المجهول طريق جديد يمكن أن يستفاد منه في بعض مقامات أخرى.

۷. اعتبار روایت به استناد علوم تجربی

یافته‌های علوم تجربی جدید، گاه می‌تواند قرینه صحت روایات ضعیف باشد؛ نویسنده مشرعه در مواردی به این نکته اشاره کرده است؛ ایشان ضمن مباحث مربوط به کتاب سماء و عالم می‌نویسد: روایات موجود در این باب با توجه به یافته‌های قرون جدید می‌تواند سند حقانیت مذهب جعفری و حقانیت اسلام باشد؛ به عبارت دیگر، علوم جدید، روایات ضعیفی که در این باب هست را تقویت کرده و نه تنها بعضی را به اعتبار می‌رساند، بلکه اعجاز پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام تلقی شده و حقانیت ایشان را روشن می‌کند؛^۱ نویسنده مشرعه در باب علاج تب، سخن از ضعف منابع روایی طبی می‌کند؛ ولی در عین حال قرینه مطابقت با طب جدید را برای تصحیح برخی روایات، کافی می‌داند.^۲

۸. دلالت متن بر اعتبار روایت

یکی از محورهای اعتبارسنجی روایت نزد آیت‌الله محمدآصف محسنی این است که خود متن علو و کمالی داشته باشد که شاهد بر صدورش از معصوم علیه‌السلام باشد؛ در ادامه برخی نمونه‌های آن ذکر می‌شود:

۱. در باب اثبات قدیم بودن خداوند، ایشان پس از اشاره به روایات باب، به علو متن برخی روایات اشاره کرده و آن را شاهد صدور از معصوم علیه‌السلام دانسته‌اند و تأکید می‌کنند: ضعف سند در اینجا اعتبار را مخدوش نمی‌کند:

أقول: في روایات الباب جملات یبعد كل البعد- صدورها عن غیر أمير المؤمنین صاحب نهج البلاغة و اولاده اوصیاء النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سواء صحت

۱. همان، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۰۸.

اسانیدها ام لم تصح كما هو الظاهر...^۱

۲. در باب جوامع التوحید تأکید شده که روایات رسیده از اهل بیت علیهم السلام در این باب، اساساً در کتاب‌ها و گفته‌های ارباب ملل و مکاتب مشابه ندارد و صدورش از لسان معصومان علیهم السلام محل تردید نیست؛ یعنی متن و محتوا و مضمون روایت قرینه اصلی در اعتبار آن تلقی می‌شود:

وانا اقول للقراء المحققين - قولاً بعيداً عن المبالغة والعصية والغلو - ان ما ورد الينا من أمير المؤمنين وأولاده أئمة العترة علیهم السلام في هذه الموضوعات لا توجد في كلام ارباب الملل والأديان وأئمة المذاهب الإسلامية وفي لسان حکماء المشاء والإشراق. وعلى المنكراراتة خطبة وكلام من هؤلاء يشبهه خطب وكلام أئمة العترة في معرفة الله وتوحيده...

ثم ان اسانید روایات الباب كلها لا تخلو عن ضعف او نقاش و خلل، لكن بعض متونها يصح السند والصدور، وقد سئل عن بعض العلماء ممن عاصرنا علیهم السلام عن سند دعاء الصباح فاجاب يا من دلّ على ذاته بذاته.^۲

۳. در باب علت احتجاج خداوند از خلقش، روایت نامعتبری به استناد متن علمی آن از غرر روایات دانسته شده است.^۳

۴. در باب اثبات صانع ضمن توجه به محتوای اثر بخش و صحیح روایات، توصیه شده که این روایات برای مؤمنان خوانده شود؛ در اینجا نویسنده مشرعه روایت مرسلی را به عنوان نمونه ذیل این توصیه نقل کرده است:

... اذکرهنا خبرین قصیرین من تلك الأخبار:

۱- صحیح هشام بن سالم ...

۲- في رسالة: سئل امیر المؤمنین عن اثبات الصانع؟ فقال: البعرة تدل على البعير والروثة تدل على الحمير وأثار القدم تدل على المسير، فهیکل علوي بهذه اللطافة و مرکز سفلي بهذه الكثافة كيف لا يدلان على اللطيف الخبير (۵۵:۳)

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۳ (این باب در کتاب المعتبر حذف شده است).

۲. همان، ج ۱، ص ۱۳۳ (این باب در کتاب المعتبر حذف شده است).

۳. همان، ج ۱، ص ۱۰۴.

والمذكورة بارقام ۷، ۱۵ و ۲۱ معتبرة سنداً.^۱

۵. در باب نفی رؤیت خداوند، علو معانی برخی روایات قرینه اعتبار مضمون دانسته شده است.^۲

۶. در ابواب عدل الهی، در مواردی روایات باب ضعیف است؛ ولی در مشرعة این روایات واجد مطالب مفیدی دانسته شده اند که می توان از طریق قرینه هایی، متن را معتبر دانست.^۳

۷. در ابواب دلایل و احتجاجات بر امامت، متن قرینه عمد، در اعتبار خبر دانسته شده است:

فيه ابواب اربعة مشتملة على مطالب نافعة وهي لا تتوقف على صحة الاسانيد، بل على متانة المتون، والله يهدي من يشاء.^۴

۸. در باب مناظرات اصحاب امام صادق عليه السلام با مخالفان ایشان، مطالب مفیدی است که نیازی به اعتبار سندی ندارد:

فيه مطالب ممتعة اكثرها لايحتاج الى السند المعتبر، و المعتبر سنداً ما ذكر برقم ۱۴.^۵

۹. یکی از مواردی که علو متن، قرینه صحت و اعتبار اخبار شمرده شده، باب حدوث عالم و کیفیت خلقت است که شاید بزرگ ترین باب در بحار الانوار باشد؛ نویسنده مشرعة بر آن است که اساساً سطح مطلب در این باب از فهم و درک جاعلان حدیث بالاتر بوده و با بررسی های محققان و مجتهدان باید این روایات هر چند سند آن ها ضعیف باشد، مورد تحقیق قرار گیرد:

فيه آیات و ۱۸۸ روایة و فيه مباحث عقلية و دينية مفيدة ولعله اكبر باب

۱. همان، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۰.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۸۲.

في بحار الأنوار فانه من ص ۲ الى ص ۳۱۵، والمعتبرة من الروايات ما ذكرت
بأرقام ۱۲، ۲۲، ۲۳، ۳۰، ۶۱، ۸۲، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۱۹.

واعلم أن جملة من روايات الباب يبعد صدورها من غير الامام لعلو معانيها
عن فهم الوضعين، وبعضها مطابق للعقل ومعاني بعضها مكرره في الروايات
فمثل هذه الروايات بعد تشخيصها بتوسط المحققين و المجتهدين لا يضرها
ضعف اسانيدها كما لا يخفى^۱.

۱۰. در ابواب مواعظ و حکم در جلد ۷۴ بحار الانوار، پس از آنکه نویسنده مشرعه
تعداد کمی از روایات را از نظر سند معتبر می داند؛ بر علو و وضوح معانی روایات این
باب اشاره کرده و نیاز به سند معتبر را در این موارد منتفی دانسته است:^۲

ينبغي التنبيه على امور:

الاول: ان في هذا الجزء مواعظ نافعة جلييلة للدين والدنيا، للفرد والمجتمع،
وأغلبها واضحة المعاني عند العقل ومكررة في الروايات، فلا تحتاج الى سند،
فانها تدل على ذاته بذاته، وإن شئت فقل متانة المتن دليل على صحة
السند، واما القليل الفاقد للقرينة فلا بد من الحذر منه اذا لم يصح سنده لثلا
تشاع الثقافة المجهولة بين المسلمين من طريق المبلغين و المؤلفين.

در ادامه همین تنبيهات، به سخنان امير مؤمنان عليه السلام در خطبه بدون الف و برخی
ديگر، تعابير بی نظير ايشان اشاره کرده و کلمه کلمه اين متون را دليل اصلي صدور از
امام علی عليه السلام دانسته است:

رابعا: في ص ۳۴۰ خطبة لأمير المؤمنين عليه السلام ليس فيه حرف الف، خطبها من
غير سابق فكرة ولا تقدم روية، وكأنها معجزة من معجزاته عليه السلام.
خامساً: وله عليه السلام كلمات و جملات لعلها لم تصدر ممن قبله ولا ممن بعده، و
هي قيمة حكيمة مفيدة حية متحركة و منها ما نقل عنه عليه السلام: ليس من اتباع
نفسه فاعتقها كمن باع نفسه فأوبقها. ص ۴۱۹.^۳

۱. همان، ج ۲، ص ۲۴۷؛ (درالمعتبر فقط همین ده روایت نقل شده است و اشاره ای هرچند در
حاشیه به کلام نویسنده مشرعه نشده است؛ المعتبر، ج ۲ ص ۲۳۱).

۲. همان، ج ۲، ص ۳۸۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۹۰.

۱۱. در ابواب مواعظ ائمه علیهم السلام پس از اشاره به اینکه نویسندگان بحار الانوار از ذکر اسناد بیشتر روایات خودداری کرده و تعداد کمی از سندهای ذکر شده، معتبر است؛ باز هم هشدار می‌دهد محتوای این ابواب برای همه مفید است و اتصاف به آن بر همه لازم است:

واعلم أن المؤلف العلامة رحمته الله ترك اسانيد الروايات هنا غالباً، كثير منها مكررات و اسانيدھا مذكورة في الأجزاء السابقة وربما في الأجزاء اللاحقة، ...

و مضامين اكثرها مفيدة نافعة للواعظ والمتعظ وللمؤلف وللمطالع وفقنا الله للاتصاف والعمل بها وتتضرع اليه سبحانه أن لا يجعلنا من المحرومين والخاسرين بحقه...^۱

۱۲. برخی دعاها را نویسندگان مشرعه بی‌نیاز از بررسی سند دانسته؛ حتی اگر مرسل باشند:

الباب ۹: اعمال الاسبوع و ادعيتها و صلواتها (۸۷:۱۲۷)
معظمها مراسلات لكن الأدعية لا تحتاج الى سند.^۲

۱۳. در ابواب ما يتعلق بالدعاء، نویسندگان مشرعه نسبت به اعتبار سند آن‌ها تأمل دارد؛ ولی معتقد است که جعل تمامی این دعاها امری بعید است و باور دارند که دعا احتیاج به سند ندارد و صحت مضمون برای تعبد به آن کفایت می‌کند:

وفيه دعاء الصباح والجوشن الصغير والكبير ومعظم رواياته لها اسناد غير معتبرة أو مراسلات فاقدة للسند، لكن يبعد جعل كل هذه الأدعية مع ان الأدعية لا تحتاج الى سند فاذا دعا الله تعالى انسان بقلب زكي وفكر خاضع حاضر بدعاء من هذه الادعية من دون نسبتها الى الأئمة عليهم السلام وبأدعية اخرى فقد اتى بعبادة ربه فان استجاب الله دعائه فهو وإلا

۱. همان، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۳۷.

فالداعي مثاب على دعائه فانه مخ العبادۃ.^۱

۱۴. نظیر همین مطلب در ابواب ما يتعلق بأعمال الشهور و الايام نیز بیان شده است.^۲

۹. جبران ضعف سند در اخبار مشهور

در بحث از معجزه شق القمر و رد الشمس، نویسنده مشرعه شهرت این واقعه میان عوام و خواص مسلمانان را از قرینه‌های مهم در اعتبار آن می‌داند.^۳

در ابواب فضائل امیرمومنان علیه السلام و در باب تاریخ ولادت و شمائل ایشان می‌گوید: ولادت امام علی علیه السلام در کعبه گرچه روایاتش معتبرالسند نیست؛ ولی امری مشهور و مسلم نزد شیعه است:

ثم ان ما دل على وقوع ولادته الشريفة في بيت الله (الكعبة) وان كان غير معتبر سنداً لكنها مشهورة أو مسلمة عند الشيعة.^۴

نویسنده در کتاب مشرعه قضیه فدک را از مشهورات غیر قابل انکار دانسته است:

الباب ۱۱: نزول الآيات في امرفدك... وفيه قصة خالد (۲۹: ۱۰۵)

۱- في الباب اكثر من ۴۵ رواية غير معتبرة سنداً و لكن قصة فدك من المشهورات الواضحات على مر الزمن، كلما مرت الدهور تجددت ولا سبيل الى انكارها. فعدم اعتبار الأسانيد امر و كذب متونها أمر آخر، ولا ملازمة بينهما.^۵

نویسنده مشرعه در باب تسبیح فاطمه علیه السلام می‌گوید:

۱. همان، ج ۲، ص ۴۵۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۷۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۲۶ این باب درالمعتبر حذف شده و به نظر نویسنده مشرعه اشاره‌ای نشده است؛ المعتبر، ج ۱، ص ۲۸۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۸۴ (نویسنده المعتبر نه تنها به این تصریح نویسنده مشرعه اشاره نکرده است، بلکه با آنکه ایشان سه روایت را در «الباب ۳: نسبه و احوال والديه علیه السلام»، (۳۵: ۶۸) معتبرالسند می‌داند، این سه روایت را نیز نقل نکرده و حتی به عنوان باب نیز اشاره نکرده است؛ المعتبر، ج ۱ ص ۴۵۵).

۵. همان، ج ۲، ص ۲۹ (این قسمت درالمعتبر حذف شده است).

فيه روايات كثيرة حول التسبيح المذكور، وفيه بحث حول توفيقها وتحقيقها وهو امر مسلم رجحانه عند عوام الإمامية فضلاً عن خواصهم وقد ورد في روايات اهل السنة وفي بعض صحاحهم لكن الظاهر انهم غير ملتزمين به كال التزام الشيعة حفظهم الله وهو عندنا لا يحتاج الى سند معتبر^۱.
 در باب احوال امام كاظم عليه السلام و شهادت ايشان، نويسنده مشرعة به مناسبت، به معتبر نبودن سند روايات وفات ايشان از طريق سم (زهر) اشاره مي كند؛ اما شهرت قوی آن را مكفی از ضعف روايات می داند؛ یعنی شهرت اخبار، ضعف آن را جبران می كند:

اذا لم توجد رواية معتبرة على وفاة الكاظم عليه السلام بالسم فتكفي الروايات غير
 المعتبرة المذكورة في الباب بعد قيام شهرة قوية عليها في الأمصار والاعصار
 بين الشيعة، فلاحظ^۲.

نتیجه گیری

بنابر شواهد فراوانی كه اقامه شد، آنچه بر روی جلد كتاب «المعتبر من بحار الانوار» نگاشته شده با عنوان «وفقاً لنظريات آية الله الشيخ محمد آصف محسنی دام ظلّه» با دیدگاه های معظم له همخوانی نداشته، بلکه در مواردی تضاد دارد؛ به نظر آیت الله محمد آصف محسنی اعتبارسنجی سندی تنها راه رسیدن به روايات معتبر نیست، بلکه چنان كه ايشان در جای جای كتاب مشرعة بحار الانوار یادآور شده اند به كمك قرینه های فراوانی می توان به اعتبار روايات دست یافت.

در این نوشتار با بررسی دیدگاه آیت الله محمد آصف محسنی نُه روش در اعتبارسنجی فراسندی با نقل مصادیق و مقایسه برخی از آنها با كتاب المعتبر من بحار الانوار ارائه شد؛ این روش های اعتبارسنجی فراسندی عبارتند از:

۱. اعتبار خبر به استناد تعدد طرق (سه سند)؛

۱. همان، ج ۲، ص ۴۲۳ (این قسمت در المعتبر حذف شده و به كلام نويسنده مشرعة نیز اشاره نشده است؛ المعتبر، ج ۳ ص ۱۵۲).
 ۲. همان، ج ۲، ص ۱۸۶.

۲. اعتبار به محتوای مشترک روایات متعدد؛
۳. اعتبار روایت به قرینه آیات؛
۴. اعتبار روایت نقل شده از طریق مخالفان؛
۵. اعتبار ابواب نصوص دلالت کننده بر امامت امیرمؤمنان علیه السلام از طرق سنی و شیعه؛
۶. اعتبار روایت از طریق تحلیل ترکیبی مضمون و سند؛
۷. اعتبار روایت به استناد علوم تجربی؛
۸. دلالت متن بر اعتبار روایت؛
۹. جبران ضعف سند در اخبار مشهور.

کتابنامه

۱. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۲. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران: کتابفرشی اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۳. مشرعة بحار الانوار، محمد آصف المحسنی، قم: مکتبة عزیزى، ۱۳۸۱ش.
۴. المعتمر من بحار الانوار، عمار فهداوی و حیدر حب الله، بیروت: دار المحجة البيضاء، ۲۰۱۵ م.

No:
Date:

شماره :
تاریخ :

بسمه تعالی



حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)

بسمه تعالی

جناب حجة الاسلام آقای موسوی دامت برکاته خداوند بر توفیقات جناب عالی بیفزاید.
در جواب پیامهای کتبی و لفظی شما به عربی و فارسی مطالب زیر بیان می‌گردد:
۱- من از طبع سه کتاب آقای حیدر حب الله هیچ اطلاعی ندارم و نه آنها را دیده‌ام و نه جناب ایشان با من مشوره کرده‌اند لذا سؤال شما را در مورد مطالب آن، جواب داده نمی‌توانم.
۲- نقل یک متن به سه سند غیر معتبر مطمئناً بصدور آن متن از امام(ع) می‌گردد؛ زیرا بعید است روایان در هر سه سند، دروغ گفته باشند و من در کتاب معجم الاحادیث المعتره مکرراً از این طریق استفاده کرده‌ام.
۳- اگرچه سند، متن مختلفی را نقل کرده باشند و روایان آن هر چند مجهول و باضعیف باشند مشترکات آن متن مورد اطمینان قرار می‌گیرد و حجت است.
بلی الخیر الموثق بالاتر و مهم‌تر از خبر الثقة است؛ زیرا در اول وثوق ما بصحت آن فعلی و در دومی فعلی نیست.
۴- درست است که من در مشرعه بحار الانوار و معجم الاحادیث المعتره و در کتاب الاحادیث المعتره فی جامع احادیث الشیعه استفاده عام نبرده‌ام؛ ولی من آن را قبول دارم و در بعضی از کتب فوق از خداوند آرزو کرده‌ام که دانشمندی پیدا شود و این گونه احادیث را جمع کند که تعداد آن زیاد می‌شود امید وارم فردی را پیدا کنید که این کار را انجام دهد.
۵- علمای شیعه احادیثی را که دانشمندان اهل سنت در موارد فضایل امیر المؤمنین و ائمه اهل البیت (علیهم السلام) نقل کرده‌اند قبول کرده‌اند چون روایان اهل سنت داعی بر کذب و جعل آنها ندارند.
این طریق نیز به اعتبار روایات بحار الانوار کمک می‌رساند.
۶- گاهی متن دلیل بر صحت سن و اعتبار آن می‌شود؛ مثلاً دعای کمیل سند ندارد؛ ولی متن آن دلیل بر صحب سند آن است من مطمئنم که این دعا از زبان مبارک آن حضرت صادر شده است اینگونه روایات در بحار زیاد است.
از آیت الله کاشف الغطاء از سند دعای صباح سؤال شده بود آن مرحوم یک جمله از آن دعا را در جواب نوشته بود که: «یامن دل علی ذاته بذاته» متن دعای صباح بر صحت خود دلالت می‌کند.
۷- انکار متون منقوله به اسانید غیر معتبره غلط است؛ زیرا انکار ادعایی است که دلیل می‌خواهد متن حدیث در فرض عدم اعتبار سند و عدم قرینه داخلی و خارجی حجت نیست نه اینکه تکذیب شود.
در پایان مزید توفیقات الهی را برای شما و آقای حب الله و سایر دانشمندان محترم در ترویج قرآن و سنت از راه اعتدال و واقع بینی خواهانم.

۱۳۹۹
۲۶ رمضان
۱۳۹۹

محمد آصف محسنی
۲۶ رمضان ۱۳۹۹